

خودکُشیِ واژه

واژه هم مُرده است آیا ؟

نه ،

او خود کُشته است گویا .

واژه هم کم آورده است آری .

او که کم یا بیش

آئینه بود یا که زبان

اینک شرمگین

و خشمگین

و ناتوان

خود بر دار کرده بار دگر

براین یکی

خوف ترین پیچ زمان .

ناباور است واژه هم

از قعر و گندابِ خون و

خوف و چرکِ بربریت
که این چنین بی انتهاست.
او نیز به شرمندگی
از درماندگی در بیداری جان و وجدان
یا تصویر دهلیز و سردابِ جهان ،
قی کرده خون
بر سردر این یکی مگاره دُکان
که پتیاره ای
این چنین بی نهایت بی حیاست .